



عاشقی و مشتاقی

چگونه شاگردان خود را مجذوب دستوره‌های دینی کنیم

حجت‌الاسلام محمد محرابی، مشاور تربیتی و کارشناس قرآنی

← **خدای مهربان یا خدای جبار؟**

فرزندان ما وجودی لطیف و جمال‌گرا دارند و همان‌طور که در روند رشد جسمانی و روانی خود نخست نیازمند لطف و مهر مادانه و سپس صلابت و اقتدار پدرانه هستند، در تربیت دینی نیز نخست به نگرشی جمالی از خداوند و صفات او نیاز دارند و در مراحل بعدی باید آنان را با صفات قهر و جلال خداوند آشنا کنیم. دادن نگرش جلالی از خداوند به کودکان و ایجاد ترس در آنان یا طرح افراطی مجازات الهی نسبت

← یکی از لوازم ضروری برای رشد و کمال فرزندان و تربیت دینی شاگردان ما، وجود علاقه و میل درونی و نگرش مثبت نسبت به فرمان‌های دینی است و این در سایه سه شناخت تحقق می‌پذیرد: شناختی عمیق از خداوند و اصالت صفات جمالی او، شناخت خود به‌عنوان مخلوق برگزیده و برتری که شایستگی خلافت و جانشینی خداوند را دارد، و درک این مطلب که بایدها و نبایدهای دینی بر اساس علم و حکمت الهی و حاصل مهر و ربوبیت خداوند است و برای رشد و کمال انسانی ما صادر شده، نه بر اساس جباریت و میل نفسانی خداوند به استیلا و اظهار قدرت بر مخلوقاتش!

بدیهی است، اگر شاگردان ما به‌خوبی متوجه شوند که دستورها و فرمان‌های دینی همگی برای سعادت و خوش‌بختی ما در دنیا و آخرت هستند، با سهولت و تمایل بیشتری بدان‌ها عمل خواهند کرد، اما اگر آن‌ها را حکمی جبری و ناشی از استیلاي خداوند و بدون خیر و منفعتی برای خود بدانند، تمایلی برای انجام آن‌ها ندارند و بلکه گاه به ستیز با آن هم بپردازند.

به خطاکاران، سبب پژمردگی و شکوفا نشدن استعدادهای درونی آنان می‌شود؛ همانند غنچه‌ای که به دلیل سرمای ناپهنگام، نای و نشاط و امیدی برای باز و شکوفا شدن ندارد.

برای تربیت شاگردانی موفق، دیندار و آینده‌ساز، لازم است برای آن‌ها از مهربانی خداوند و زیبایی و لطافت و رفاقت او گفّت و نعمت‌های گوناگون خداوند در دنیا را که نشان‌دهنده مهربانی او نسبت به ما هستند و نیز نعمت‌های بسیار عظیم جهان دیگر را به آنان معرفی کرد. باید تلاش کنیم زیبایی‌ها و ظرافت‌های آفرینش را به آن‌ها نشان دهیم تا شیفته خالق و پروردگار خود شوند.

ضرورت دارد ما این واقعیت را برای آن‌ها بیان کنیم که خالق و پروردگار ما، مهر و عطفی بی‌پایان دارد و صحنه آفرینش، صحنه ضیافت و مهمانی او برای ماست؛ هم در دنیا و هم در آخرت. و البته مهمانی این دنیا با مهمانی و ضیافت خداوند در جهان آخرت، که جهان اصلی زندگی ماست، قابل مقایسه نیست. در آنجا همه چیز رؤیایی و معجزه‌آساست و همه چیز به خواست و اراده ما تحقق پیدا می‌کند؛ آن هم در عالی‌ترین صورت و زیباترین، جذاب‌ترین و لذیذترین نحو که شاید برای ما باورکردنی نباشد!

← مقدم بودن «تعقل» بر «تعبد»

در مسیر تربیت دینی، لازم است نخست عقلانیت و «تعقل» را در فرزندانش و شاگردانش خود ایجاد و سپس آنان را با «تعبد» عاشقانه آشنا کنیم و به آن‌ها بفهمانیم که اطاعت از دستورهای حکیمانه و برآمده از مهر خداوند که سازنده دنیا و آخرت ماست، عین خردمندی و عقلانیت است و اگرچه برخی از بایدها و نبایدهای دینی، سختی‌ها و دشواری‌هایی را برای ما ایجاد می‌کنند و به‌طور طبیعی برای ما لذت‌بخش نیستند، اما پرورش

استعدادها و صفات ارزشمند انسانی ما تنها در گرو عمل به این دستورهاست؛ همان‌گونه که دستیابی به موفقیت و قهرمانی در هر رشته ورزشی یا هنری یا علمی، نیازمند انجام تمریناتی دشوار و دوری جستن از اموری منافی است و این قاعده بنیادین رشد و تعالی در هر استعداد انسانی است؛ خواه استعداد جسمانی باشد و خواه استعداد علمی و هنری یا استعدادی روحانی و فراطبیعی. به قول حافظ، شاعر شیرین‌سخن شیراز:

اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
رهروی باید جهان سوزی نه خامی بی‌غمی

بیان کردن ظرافت‌ها و لطافت‌های دین الهی و آشکار کردن حکمت‌ها و اسرار عبادات و دستورهای دینی، قدم نخست در دین‌دار ساختن شاگردان و فرزندانش است؛ چرا که از یک سو عقلانیت آن‌ها را شکوفا و سپس اقتناع می‌سازد و از سوی دیگر محبت و علاقه آنان را نسبت به خداوند و دین الهی افزایش می‌دهد و در نهایت نیز زمینه «تعبد» و اعتماد به خداوند و تسلیم در برابر او را فراهم می‌کند.

← رویکرد افراطی در عقلانیت دینی

البته توجه افراطی به «تعقل» و بی‌توجهی به تعبد و دوستی با خداوند در تربیت شاگردان، خود می‌تواند آنان را دچار غرور و توهم خودبزرگ‌بینی کند و از پذیرش دستورهای دینی بازدارد؛ به‌طوری که تصور کنند برای انجام هر رهنمود دینی، لازم است نخست با عقل محدود خود به حکمت آن برسند!

بدیهی است، رسیدن بشر به حکمت‌ها و آثار و فایده‌های ارزشمند این دستورها، گاه نیازمند گذشت قرن‌ها و رشد علمی فراوان است. از سوی دیگر، این رویکرد همانند آن است که یک شاگرد یا فرزند، برای همه سخن‌ها و دستورهای کوچک

و بزرگ پدر یا استاد خود دلیل بخواد و بدون آن کاری انجام ندهد! شاگرد باید به این نکته مهم دست یابد که اولاً روح دین‌داری، رابطه‌ای دوستانه و عاشقانه میان ما و پروردگار مهربان است و ثانیاً زمانی که با دلایل عقلی و شواهد متقن دینی دریافتند خداوند حکیم، دانا و مهربان است و دستورها و رهنمودهای او نه از روی جهل و نادانی یا تکبر و خودخواهی، بلکه از روی علم، حکمت، مهر و عطف است، من‌من کردن‌ها و خودبزرگ‌بینی در برابر خداوند، شایسته و ستودنی نیست؛ همان‌گونه که این‌گونه مواجهه با والدین یا معلمان نیز درست نیست!

← «مثبت‌بینی» و «تشویق» در تعلیم و تربیت

در تربیت دینی، «تشویق» مقدم بر «تنبیه» است، زیرا به‌جای ایجاد ترس در فرزندانش، خودبساوری و آرامش و شادمانی را در آنان می‌افزاید و اشتیاق و انگیزه بیشتر در انجام رفتارهای نیکو را دربردارد که همه از لوازم قطعی رشد و شکوفایی استعدادهای درونی هستند. برای آنکه بتوانیم اصل تشویق را به‌اندازه کافی به اجرا درآوریم، نیازمند «نگاه مثبت» هستیم؛ یعنی به‌جای آنکه به دنبال نقاط منفی و نواقص فرزندانش خود باشیم، بر نقاط قوت و خوبی‌های آن‌ها تمرکز و آن‌ها را برای خوبی‌ها و نیکی‌هایشان تحسین و تشویق کنیم.

توجه کردن به نقاط مثبت و تشویق کردن و رفاقت با فرزندانش و شاگردانش، مواجهه‌ی جمالی و محبت‌کردن به آن‌هاست و در طرف مقابل، تمرکز کردن بر نقاط ضعف آنان و استفاده زیاد از تنبیه، برخوردی قهری و جلالی است که نتایج خوبی به بار نمی‌آورد. البته، تنبیه حداقلی و سنجیده، یکی از ابزارهای است که در تربیت فرزندانش بدان احتیاج داریم، اما اصل اول در تربیت، «مثبت‌بینی» و تمرکز بر خوبی‌های فرزندانش و تشویق آن‌هاست.